

خانه باید امن باشد

«محیط خانه» باید سرشار از محبت و حمایت باشد



خانه و محیط خانوادگی، در ذهن بسیاری از ما، یادآور فضایی امن، صمیمی و همدلانه است. کانون خانواده می‌تواند و باید فضایی لبریز از عشق و دوستی و حمایت باشد تا همه اعضای خانواده فرصت یابند از پرتو چنین آسایش و امنیت خاطری، استعدادهای خدادادی خود را شکوفا و بارور سازند. با این همه، فضای برخی خانواده‌ها به واسطه عوامل و دلایل خاص، چهره‌ای خشن به خود می‌گیرد و پیش می‌آید که تحت تاثیر ادامه خشونت‌ورزی، و بر اثر ندانم کاری و نیافتن راه حل منطقی، متأسفانه انواع و اقسام نابهنجاری‌ها و آسیب‌ها دامان خانواده را می‌گیرد و گاه تا آنجا پیش می‌رود که شاهد بروز فجایعی دردناک مانند قتل در خانواده‌ها هستیم.

قتل‌های خانوادگی اعم از خودکشی، خودسوزی زنان، همسرکشی، والدین‌کشی و نظایر این حوادث غم‌بار، نتیجه ناگزیر خشونت‌هایی است که اگر از همان ابتدا، جلوی آنها گرفته می‌شد به احتمال زیاد، کار به چنین فجایعی نمی‌کشید. زنانی که بر اثر شدت تحقیر، و تداوم ضرب و شتم در محیط خانه، و به واسطه تحمل طولانی مدت این همه رنج و حقارت به مرز جنون می‌رسند و ممکن است به قتل شوهر خود دست بزنند اگر از همان آغاز که معمولاً خشونت‌ها از طریق «خشونت کلامی» (فحاشی) و غیره شروع می‌شود و به ضرب و شتم‌های کوچک و بزرگ می‌انجامد، نسبت به آن حساسیت نشان می‌دادند و برای تغییر شرایط زندگی خود، به جای «سوختن و ساختن» و «پنهان کاری» و سکوت، به دنبال راه حل‌های منطقی می‌رفتند (حتا به دادگاه و مراجع قانونی متوسل می‌شدند) شاید خشونت به آن حد گسترش نمی‌یافت تا کل زندگی خانوادگی به جهنم تبدیل شود و فجایعی همچون قتل در آن رخ دهد. متأسفانه خانواده‌ها افراد خشونت‌دیده را به «سوختن و ساختن» ترغیب می‌کنند، ولی مطمئناً با مراجعه مکرر به دادگاه‌ها و دیگر مراجع قانونی، لااقل می‌تواند در برخی از موارد، راه حل‌هایی برای تغییر وضعیت ایجاد کند.

توسل به مراجع قضایی اتفاقاً عین آبروداری است

وقتی یک زن که چند سال است با شوهرش زندگی می‌کند و برای آرام کردن شوهر خود و جلوگیری از خشونت و کتک کاری و توهین‌های او، همه راه‌های معمول و خردمندانه را رفته است یعنی بارها و بارها نشسته و با شوهرش به طرزی منطقی و مهربانانه صحبت کرده، از احادیث و روایت‌ها و نقل‌ها و گفتارهای بزرگان دینی و غیردینی یاری گرفته و برای او مثال آورده؛ و یا افراد بزرگتر فامیل را واسطه و داور قرار داده، به امید آن که شوهر ظالم که دست بزن دارد، شاید نادم و پشیمان گردد (و از رفتار خشن و غیرانسانی اش دست بردارد) اما هیچ‌یک از این راه‌ها جواب نداده است، پس رجوع به کلانتری و دادسرا، عملی بسیار عاقلانه و آبرومندانه است. در غیر این صورت ممکن است روزی، خود زن یا شوهر با سرافکنندگی در مقابل قاضی قرار بگیرند تا به جرم قتل همسر خود، اقرار نمایند.

متأسفانه شاهدیم که به تازگی عمل جنون آمیز قتل در خانواده‌های معمولی در کشور ما گسترش یافته است. زیرا در برابر خشونت اگر ایستادگی نشود خیلی راحت می‌تواند گسترش یابد و به مراحل حادی همچون قتل یا خودسوزی و خودکشی بیانجامد و سرنوشت کودکان نیز با خطرات بسیاری مواجه شود.

یک شهروند فهیم و دوراندیش (زن یا شوهر) نباید اجازه دهد تا سرانجام کار به خودکشی یا دیگرکشی برسد. تحمل طولانی مدت ظلم و خشونت، دست روی دست گذاشتن و حرص خوردن، ما زنان را سرانجام به مرز جنون می‌رساند و ممکن است دست به اعمال غیرقابل جبران بزنیم پس برای جلوگیری از پیدایش چنین جهنمی، اکنون زمان عمل فرا رسیده است. باید همت کرد.



واقعیت‌ها چه می‌گویند؟

- طبق گزارش سازمان ملل، در جهان از هر ۳ زن یک زن مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد، یا به برقراری رابطه جنسی مجبور می‌گردد، و یا در طول زندگی‌اش مورد آزار و اذیت واقع می‌شود.
- بر اساس گزارش‌های منتشر شده (گزارش «گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان در سازمان ملل»، ۱۳۸۳)، ۸۵ درصد قربانیان خشونت خانگی، زنان هستند و ۹۵ درصد عاملان خشونت خانگی علیه زنان و کودکان (پسر و دختر)، از قضا مردان خانواده هستند.

خشونت خانوادگی معمول‌ترین خشونت علیه زنان، نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان است.

- اگرچه زنان هم می‌توانند علیه مردان خشونت اعمال کنند، اما نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که زنان ۸ مرتبه بیش از مردان در معرض خشونت همسران‌شان قرار دارند.
- طبق آمار ۳۴ درصد کل زنان دنیا توسط همسران‌شان مورد ضرب و جرح و خشونت فیزیکی واقع می‌شوند.
- طبق آمار ۶۶ درصد زنان ایرانی به طور مستمر مورد خشونت خانوادگی قرار دارند.
- طبق آمار ۵۲ درصد زنان ایرانی از طرف همسران خود تحت خشونت‌های روانی و کلامی قرار می‌گیرند.
- طبق آمار ۳۸ درصد زنان ایرانی توسط همسران خود مورد خشونت فیزیکی نظیر سیلی زدن، لگد زدن، کشیدن موی سر، هل دادن و ... واقع می‌شوند.
- طبق آمار ۲۸ درصد مردان ایرانی همسران خود را در برقراری ارتباط با دوستان و افراد فامیل، ادامه تحصیل، اشتغال به کار و هر عملی که موجب رشد اجتماعی، فکری و آموزشی زنان شود، محدود می‌کنند. («طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ مرکز استان کشور»، مجری طرح دکتر محمود قاضی طباطبایی، ۱۳۸۵).
- در بخشی از گزارش سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان نوشته شده: «از آنجا که خانواده به منزله پناهگاهی مقدس برای آسایش خاطر، اسطوره شده است، خشونت خانوادگی حقیقتاً با آن همخوانی ندارد و از نظر لغوی با چنین مفهومی از خانواده ناهمگون است. خشونت، تصویر آرام و نیز امنیتی را که حاصل خویشاوندی است، در هم می‌شکند. با این حال، براساس شواهد موجود، سرشت دسیسه‌آمیز خشونت خانوادگی در سراسر جهان و در میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها به اثبات رسیده است. **خشونت خانوادگی پدیده‌ای جهانی است** و به عنوان یک معضل جهانی در برنامه سلامت سازمان ملل مطرح شده است.»

محل‌هایی که می‌توانید به آن رجوع کنید

اگر شما در خانه مورد خشونت قرار می‌گیرید و برای جلوگیری و رفع آن، همه راه‌های ممکن و معمول را پیموده‌اید ولی باز هم مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرید ناگزیر هستید این شماره تلفن‌ها را به خاطر بسپارید و به فرزندان خود نیز نحوه استفاده از آن را آموزش دهید. این خطوط بیست و چهار ساعت شبانه روز در دسترس است:

شماره تلفن: ۱۱۰ فوریت‌های پلیسی (پلیس ۱۱۰)

شماره تلفن: ۱۱۵ اورژانس بیمارستانی

شماره تلفن: ۱۲۹ خدمات قوه قضاییه (مشاوره حقوقی)

شماره تلفن: ۱۲۳ اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی

جهت اطلاع هموطنان باید گفت که **خط تلفن ۱۲۳** اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی، **طبق قانون** موظف است به همه افرادی که نیازمند حمایت‌های فوری هستند به خصوص کودکان و زنانی که در خانه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند خدمات رسانی کند.

اورژانس اجتماعی شامل مراکز مداخله در بحران است که ماموریت آن رسیدگی به معضلات و آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

مراکز مداخله در بحران (سازمان بهزیستی) طبق قانون موظفند دختران و زنان در معرض آسیب و یا آسیب دیده را نگهداری کنند و یا تحت حمایت‌های خود که شامل ارائه خدمات مددکاری، روانشناسی، تامین حداقل نیازهای اقتصادی فرد آسیب‌دیده، ایجاد اشتغال، تشکیل خانواده و... قرار دهند.

«**طرح اسکان موقت بهزیستی**»، این سازمان را موظف می‌کند تا کلیه زنان و دختران بی‌سرپناه که در معرض خشونت بوده و یا خشونت دیده‌اند، در محلی مناسب و امن، اسکان دهد.

اگر شما در معرض خشونت خانوادگی قرار دارید و علی‌رغم تلاش‌های خود موفق به حل مشکلات نشده‌اید یا زنی را می‌شناسید که نمی‌تواند از موقعیت خطرناک در زندگی خود رها شود با **خط ۱۲۳** تماس بگیرید و یا با توجه به محل سکونت خود به یکی از مراکز مداخله در بحران (سازمان بهزیستی) رجوع کنید.

آدرس مراکز مداخله در بحران تهران

آدرس‌های زیر، مراکز مداخله در بحران تهران است. اگر شما در شهری دیگر زندگی می‌کنید، برای یافتن مراکز مداخله در بحران شهر خود، می‌توانید به مرکز بهزیستی همان شهر مراجعه کنید.

مرکز مداخله در بحران شهید نواب صفوی: میدان شهید محلاتی، ابتدای بزرگراه آهنک، جنب درمانگاه غیائی.

تلفن: ۳۳۷۰۴۰۰۴، ۳۳۷۰۰۰۸۸، ۳۳۷۱۷۶۷۵

مرکز مداخله در بحران شهید ذوالفقاری: سه‌راه آذری، ابتدای جاده ساوه، تولید دارو، خیابان تختی، میدان معلم.

تلفن: ۶۶۶۹۲۸۰۰، ۶۶۶۳۳۴۰۸، ۶۶۶۲۸۴۰۴

مرکز مداخله در بحران هاجر: میدان قدس، خیابان دربند، خیابان شهید احمد زمانی، کوچه نشاط. تلفن:

۲۲۷۱۳۷۸۷، ۲۲۷۰۹۲۸۰، ۲۲۷۰۱۲۶۶

مرکز مداخله در بحران دولت آباد: دولت آباد، نرسیده به فلکه سوم، کوچه بهمن، جنب مدرسه شهید مطهری. تلفن:

۳۳۷۴۱۶۹۷، ۳۳۷۴۰۷۳۵

مرکز مداخله در بحران شهید ارشاد: کرج، چهارصد دستگاه، روبروی هنرستان شهید صدوقی. تلفن: ۲۷۰۹۲۷۳،

۲۷۰۹۴۳۳

مرکز مداخله در بحران اسلام شهر: اسلام شهر، چهاردانگه، میدان گلشهر، ساختمان المهدی. تلفن: ۵۲۷۶۰۱۱،

۵۷۲۷۶۰۱، ۵۷۲۷۷۶۰۰

مرکز مداخله در بحران رباط کریم: رباط کریم، بلوار امام خمینی، کوچه چمران، پلاک ۳. تلفن: ۴۴۴۳۰۴۰،

۴۲۲۳۰۳۰

صدای یارا: صدای یارا برای کودکان زیر ۱۸ سال در معرض خشونت و خشونت دیده، از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر،

مشاوره تلفنی ارائه می دهد. تلفن: ۸۸۵۰۱۴۱۴، ۸۸۵۰۱۴۱۵، ۸۸۵۳۱۱۱۳، ۸۸۵۳۱۱۰۹

کلانتری چه کمکی می تواند بکند

اگر از همسر خود کتک می خورید و احیانا قصد جدا شدن از او را دارید باید به دادگاه ثابت کنید که مورد خشونت فیزیکی قرار می گیرید. پس مجبور هستید بعد از هر بار کتک خوردن به کلانتری محل مراجعه کرده و با طرح شکایت از همسر خود و برگه معرفی که کلانتری به شما می دهد به پزشکی قانونی رفته و گواهی طول درمان دریافت کنید. اما به خاطر داشته باشید طول درمان به تنهایی مدرک قابل قبولی برای اثبات در دادگاه نیست. شما باید ثابت کنید که جراحات وارده بر بدن تان ناشی از کتک های همسر تان بوده است نه فرد دیگری. بنابراین لازم است شاهی از بستگان یا همسایگان را همراه خود به کلانتری ببرید. از آنجا که معمولا همسر، در حضور فرد دیگری اقدام به کتک زدن نمی کند و این عمل عموما در خلوت و تنهایی زن و شوهر رخ می دهد متاسفانه اثبات آن برای زنان امری سخت و دشوار است. با اینحال هر زمان که شاهی دارید حتما همراه خود به کلانتری ببرید و طول درمان را نیز از پزشکی قانون بگیرد تا هنگامی که قصد جدایی داشتید مدارک کافی برای اثبات خشونت همسر خود به قاضی دادگاه داشته باشید در غیر این صورت طلاق شما بسیار سخت صورت خواهد گرفت.



خشونت خانوادگی چیست؟

خشونتی است که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی با یکدیگر پیوند خورده‌اند.

خشونت خانوادگی می‌تواند به صورت‌های مختلفی ظاهر شود ولی هدف آن همیشه یکی است:

- ضارب یا ضاربین همیشه سعی می‌کنند که شریک خانوادگی خود را از طریق ایجاد ترس، کنترل کنند و اغلب از طریق آزار و اذیت‌های جسمی، جنسی، روانی و مالی به این هدف خود دست می‌یابند.

- فرد آزار دهنده می‌تواند به شیوه‌های مختلفی قربانی خود را در خانه مورد خشونت قرار دهد.

خشونت جسمی: مانند کتک زدن، لگد زدن، مشت زدن، هل دادن، کشیدن مو، سیلی زدن، فشار دادن گردن ...

خشونت کلامی: نظیر انتقاد دائمی، اظهارنظرهای تحقیرآمیز، جواب ندادن به حرف‌های قربانی، مسخره کردن، داد زدن، فحش دادن ...

خشونت جنسی: تحمیل رابطه جنسی به طرف مقابل که راضی به این کار نیست، یا درخواست رفتارهای غیرمعمول جنسی که قربانی مایل به انجام آن‌ها نیست.

کنترل مالی: پول ندادن به شریک زندگی، اجازه کار ندادن به او، پرداخت نکردن صورت حسابها ...

از بین بردن اموال: شکستن مبلمان، مشت زدن به دیوارها، پرت کردن اشیاء، شکستن ظروف، خرد کردن آینه، ...

خشونت روانی: نشان ندادن عواطف، بی‌توجهی، خیانت کردن، حسادت بیش از حد کردن، دروغ گفتن، بی‌احترامی به احساسات شریک زندگی، شکستن قول و عهد، بی‌مسئولیتی در قبال وظایف خانوادگی، کنترل موبایل، دفترچه یادداشت و ایمیل‌های شخصی قربانی، ممانعت از دیدار او با دوستان و افراد فامیل، گوش دادن به مکالمات تلفنی، و کنترل کردن رفت و آمدهای قربانی.

افسانه‌های مربوط به خشونت خانوادگی را باور نکنید

شما نباید هر چه راجع به خشونت خانوادگی می‌شنوید و یا می‌خوانید را باور کنید. این‌ها معمولاً افسانه‌هایی سرپا کذب در رابطه با خشونت خانوادگی هستند. این «افسانه‌ها» حقیقت ندارند.

افسانه شماره ۱: خشونت خانوادگی فقط یک عصبانیت «آنی» است.

حقیقت: خشونت خانوادگی عصبانیت آنی نیست. این روشی است که فرد خشن برای اعمال کنترل از حربه «ایجاد ترس» استفاده می‌کند.

افسانه شماره ۲: خشونت خانوادگی فقط در خانواده‌های فقیر اتفاق می‌افتد.

حقیقت: خشونت خانوادگی در تمام طبقات اجتماعی اتفاق می‌افتد. هیچ شاهدهی برای این ادعا که میزان درآمد، شغل، طبقه اجتماعی یا فرهنگ و میزان تحصیل در خشونت خانوادگی نقش قاطعی دارد، وجود ندارد. ثروتمندان، و تحصیل کرده‌ها به اندازه افراد دیگر برای اعمال خشونت مستعد هستند.

افسانه شماره ۳: خشونت خانوادگی یک سیلی یا مشت گاه‌به‌گاه است که زیاد جدی نیست.



حقیقت: تعداد پرشمار قربانیان اغلب به طور جدی آسیب می‌بینند. زنان بسیاری به دلیل جراحات ناشی از خشونت خانوادگی راهی بیمارستان‌ها می‌شوند یا به افسردگی و اضطراب دائم مبتلا می‌شوند.. زنان در معرض خشونت، معمولاً با خطر سقط جنین یا زایمان زودرس روبرو هستند.

افسانه شماره ۴: به دنیا آوردن فرزند باعث از بین رفتن رفتار خشونت‌آمیز همسر می‌شود.

حقیقت: رفتارهای خشونت‌آمیز حتی می‌تواند از همان دوران اولیه بارداری شروع شود. فرد آزار دهنده به رفتار خود آگاهی و کنترل دارد. تجربه نشان می‌دهد که حضور بچه نمی‌تواند مانع از رفتار خشن او شود.

افسانه شماره ۵: کودکان به وجود والدین خود حتماً اگر رفتاری خشونت‌آمیز داشته باشند، نیاز دارند.

حقیقت: حقیقت این است که کودکان، زندگی با یکی از والدین خود را به زندگی در یک خانه خشن ترجیح می‌دهند. کودکان اگر از پدر یا مادر خود با خلق و خوی خشن جدا نشوند، غالباً در روابط خود در دوران بزرگسالی، رفتار خشونت بار را طبیعی قلمداد کرده و چرخه خشونت را باز تولید می‌کنند.

افسانه شماره ۶: اگر فرد ضارب واقعا متاسف است و قول می‌دهد که تغییر کند، آزار و اذیت‌ها قطع خواهد شد.

حقیقت: ابراز پشیمانی و طلب بخشش کردن معمولاً قسمتی از روش افراد ضارب برای کنترل قربانیان خود است. افراد ضارب متأسفانه به ندرت از خشونت خود دست می‌کشند، مگر تمهیدات قانونی و محکم در مقابل شان قرار گیرد.

افسانه شماره ۷: عوامل خارجی که در زندگی مشترک ایجاد تنش می‌کنند (مثل مشکلات مالی، جابجایی، داشتن فرزند و یا مشکلات کاری) موجب خشونت فرد نسبت به قربانیان خود می‌شود.

حقیقت: تقریباً تمام مردم (چه ایرانی و غیرایرانی) در سنین بزرگسالی با اینگونه مسائل تنش‌زا مواجه هستند، اما اکثر افراد بدون توسل به خشونت علیه یکی از اعضای خانواده بر مشکلات خود غلبه می‌کنند. یعنی دلیلی ندارد که فلان آقا اگر در محیط شغلی خود با مشکلی مواجه گردد ناراحتی اش را بر سر زن و بچه اش خالی کند. البته اگر شخصی در درون خود گرایش به اعمال خشونت داشته باشد مطمئناً عوامل خارجی از این دست می‌تواند وقوع آن را تسریع کند.

افسانه شماره ۸: افراد آزار دهنده هیچ‌گاه مهربان و با محبت نیستند.

حقیقت: فرد ضارب می‌تواند زمانی که شاد و آرام است بسیار با محبت و دلسوز هم باشد و همسر خود را غرق محبت کند. قربانیان خشونت معمولاً فرد ضارب را به عنوان شریکی خوب و دلسوز در هنگام شادی و آرامش معرفی می‌کنند. همین رفتار محبت‌آمیز در موارد آرام بودن فرد، کمک می‌کند که زن در چرخه خشونت تاب آورد.

افسانه شماره ۹: قربانی همیشه می‌تواند از رابطه خشونت‌آمیز خارج شود و خود را نجات دهد.

حقیقت: معمولاً قربانیان هیچ جای امنی را که از دست شخص آسیب‌زننده در امان باشند، ندارند به دلیل آنکه فرد ضارب برای مدت طولانی با قربانی خود در رابطه بوده است، بنابراین تمام امکانات و محل‌هایی که ممکن است در آنجا پناه بگیرد را می‌شناسد و می‌تواند او را تعقیب و پیدا کند.

لازمه نجات قربانی، داشتن پول، یک شبکه حمایتی و زمان کافی برای برنامه‌ریزی جهت قطع رابطه است. اینها نعمت‌هایی است که اغلب در اختیار زنانی قربانی قرار ندارد. در نتیجه، بسیاری اوقات برای قربانی، ماندن با شخص ضارب امن‌تر از تلاش برای فرار است. چون جایی ندارد که پناه بگیرد و زندگی بکند.



آزار دهندگان چه کسانی هستند؟

آزار دهندگان معمولاً

- خیلی کم حوصله هستند و زود عصبانی می شوند.
- وقوع آزار و خشونت را انکار می کنند.
- برخورد خشونت آمیز را کوچک و ناچیز جلوه می دهند.
- افراد ضارب معمولاً، قربانی خشونت یا افراد دیگر یا وقوع حوادث خارجی را برای حمله خشونت آمیز خود، مقصر جلوه می دهند.

آزار دهندگان به دلیل «از دست دادن کنترل» این اعمال را انجام نمی دهند

- افراد آزاردهنده از روی عصبانیت آنی و یا بی اختیار، رفتار نمی کنند. چرا که دلیل کردن و به زانو درآوردن قربانی معمولاً در یک روند طولانی مدت انجام می گیرد.

زورگویی به زن (همسر) و ضرب و شتم او (مستقل از قصد و اراده آزاردهنده) به هیچ وجه پذیرفتنی نیست و تجاوز آشکار به حقوق و کرامت دیگری شناخته می شود و لازم است که به هر وسیله، جلوی این رفتارهای خشن و غیرانسانی گرفته شود.

آزار دادن یک رفتار اکتسابی (آموختنی) است

- آزار دادن یک عکس العمل طبیعی به اتفاقات خارجی نیست.
- در رابطه بین دو انسان، رفتار خشونت آمیز یک امر معمولی نیست.
- معمولاً روش سرکوب و خشونت را در محیطی که آزار دهندگان پرورش یافته اند یاد می گیرند.
- این موضوع (اعمال خشونت) تا زمانی که آزار دهنده به دادگاه کشیده نشده، یا توسط جامعه و خانواده مسئول رفتار خود شناخته نشود، پیوسته تقویت می شود.

آزار دهندگان ممکن است که :

- خود را پشیمان نشان داده و با ظاهری محبت آمیز تقاضای بخشش کنند.
- اشخاص سخت کوش و تامین کننده های مالی خوبی باشند.
- شوخ، جذاب و باهوش باشند.
- بعضی مواقع والدین با محبتی هم برای فرزندان باشند.

قربانیان چه کسانی هستند؟

اکثر قربانیان زن هستند

- دختران جوان، زنان حامله و یا مسن، بیشتر در معرض خطر قرار دارند.

چه بلایی بر سر کودکان می آید

- خود آنها ممکن است مورد ضرب و شتم قرار گیرند.
- کودکان ممکن است مجبور شوند ناظر کتک خوردن یکی از والدین خود باشند.
- فرد ضارب ممکن است از تهدید آزار رساندن به آنها به عنوان وسیله ای برای ایجاد ترس و کنترل قربانی استفاده کند.
- کودکان با این تصور بزرگ می شوند که کتک زدن و کتک خوردن، رفتاری طبیعی است.
- آنها در محیطی نا امن، مملو از خشونت پرورش می یابند.

نوجوانان در رابطه با جنس مخالف رفتارهای خشونت آمیزی را تجربه می کنند:

- نوجوانان به همان اندازه در معرض روابط خشونت آمیز قرار دارند که بزرگسالان هستند؛
- آنها ممکن است به خاطر عدم اعتماد به بزرگسالان، درخواست کمک نکنند.

اعضای سالمند خانواده نیز ممکن است قربانی شوند

- سالمندان ممکن است توسط فرزندان بالغ خود یا افرادی که از آنها نگهداری می کنند مورد ضرب و شتم قرار گیرند.
- آنها ممکن است جسما قادر به دفاع از خود یا فرار از آزار نباشند. و به لحاظ جسمی یا عاطفی توانایی بیان آزارها را برای کمک گرفتن نداشته باشند.

قربانیان نباید برای خشونت مقصر شناخته شوند

- مطالعات و تحقیقات هیچ گونه رابطه ای بین خصوصیات شخصیتی افراد و قربانی شدن آنها نشان نداده است.
- قربانیان بدون در نظر گرفتن جنس و سن، مستحق در امان بودن از خشونت هستند.
- به خاطر داشته باشیم قربانیان نمی توانند تنها با تغییر رفتار خود، آزار و اذیت را متوقف کنند

فتر خشونت

روانشناسان معتقدند الگوی مشترکی در بین زنانی که از همسران خود کتک می خورند، در کل جهان وجود دارد این الگو به میزان زیادی برای زنان ایرانی نیز مصداق دارد. نام این الگو «فتر خشونت» است. در این الگو هر کدام از حلقه ها دوره های ایجاد تنش، ضرب و شتم و فراغت را طی می کنند. اما حلقه ها به شکل فتر به هم مربوطند و هر بار این فتر فشرده تر شده و در نهایت با بیشترین نیرو می جهد.

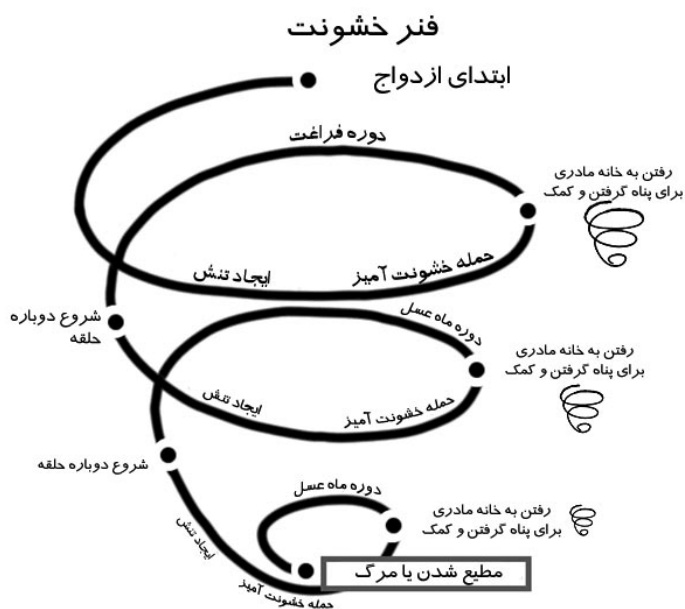
ایجاد تنش: در این مرحله مرد به بهانه جویی و ایراد گرفتن می پردازد و زن خود را سرزنش می کند. زن می داند یک حرکت کوچک می تواند موجب کتک خوردن شود. پس حاضر است هر کاری بکند تا جلوی این اتفاق را بگیرد. تحمل این مرحله برای زن بسیار پرتنش و استرس آور است.

حمله خشونت آمیز: مرحله ای که زن مورد خشونت از طرف شوهر خود قرار می گیرد.

پناه بردن به خانه مادری: هر بار که زن مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرد، برای دریافت کمک به خانه مادری اش پناه می برد. در اوایل ازدواج و در بارهای اول، خانواده مادری از او مراقبت و دلجویی می کنند و زن

پس از چند ساعت یا روز و معمولا با اصرار شوهر و اظهار ندامت او، به خانه خود باز می گردد.

دوره فراغت: در این مرحله پس از بازگشت زن به خانه، مرد از کتک زدن همسر خود احساس پشیمانی می کند. ممکن است زنش را به بازار ببرد و برای او مثلا هدیه ای بخرد تا سعی کند ناراحتی را از دلش بیرون کند. این مرحله نقش بسیار مهمی در نگه داشتن زن در سیستم خانوادگی همراه با خشونت دارد و تصمیم زن را برای ترک خانه به تعویق می اندازد و



آن احساسی که «همه چیز درست خواهد شد» را برای مدتی در او زنده کرده و نسبت به زندگی زناشویی، دلگرمش می‌سازد.

اما پس از مدتی، دوره فراغت به پایان می‌رسد و بار دیگر دوره‌های تنش و خشونت آغاز یعنی دوباره زن به خانه مادری خود پناه می‌برد. در هر بار رفت و آمد زن به خانه مادری، فتر خشونت خانوادگی تنگ‌تر می‌شود.

هم چنانکه که زن این عمل را تکرار می‌کند، خانواده‌اش کمتر و کمتر او را می‌پذیرند و هر بار با سرعت بیشتری او را مجبور به بازگشت می‌کنند تا جایی که ممکن است او و فرزندانش را دیگر نپذیرند.

در پی ادامه یافتن خشونت، دوره‌های فراغت در بهترین حالت، کوتاه‌تر می‌شود و در بدترین حالت، غیرقابل تحمل و توهین‌آمیز خواهد بود. ضمن آنکه تناوب و شدت ضرب و شتم‌ها بیشتر خواهد شد.

چیزی که در ادامه اتفاق می‌افتد شاید بسیار دردآور باشد. در این زمان است که خانواده زن حمایتش را از او می‌گیرد و خانواده شوهر از این مسئله سواستفاده کرده و خشونت را شدت می‌دهند. «حتی خانواده خودت هم تو را نمی‌خواهند و فکر می‌کنند مشکلات تقصیر توست.»

باز هم فتر ماریپیچ خشونت خانوادگی برای زن تنگ‌تر می‌شود و در نهایت این فتر به تسلیم شدن زن، و در مواقعی به دیوانگی یا به مرگ او منجر خواهد شد.

چگونه به دوست خشونت دیده خود کمک کنیم



۱- **راجع به موضوع با او صحبت کنید.** از بیان نگرانی‌های خود نسبت به خشونت که به دوست‌تان روا می‌شود واهمه نداشته باشید. با صمیمیت به او بگویید که می‌دانید چه اتفاقاتی افتاده و می‌خواهید به او کمک کنید. به او بگویید و تاکید کنید که او تنها نیست.

۲- **به حاشا کردن او میدان ندهید.** اگر دوست‌تان حاضر نیست قبول کند که در موقعیت خطرناکی قرار دارد به او بگویید که اینطور نیست و نگران امنیت او و فرزندانش هستید.

۳- **متذکر شوید که در موقعیت خیلی خطرناکی قرار دارد.** به او بفهمانید که کتک خوردن او تقصیر خودش نیست. او را تشویق کنید که با شما درد دل کند و غم و غصه‌ها و احساس

تحقیر خود را بیان کند. البته باید بدانید که احتمالاً برای او درد دل کردن با شما درباره این موضوع، سخت است.

۴- **دوست خود را برای مشاوره صحیح به یک مشاور معرفی کنید.** این دفترچه را به او بدهید و راجع به آن با او صحبت کنید و از دوست‌تان بخواهید حتماً زمانی را برای رفتن نزد مشاور اختصاص بدهد. او را متقاعد کنید که در شرایط ویژه‌ای قرار دارد و برای بازگشت اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری بهتر، مشاور می‌تواند کمک بزرگی باشد.

۵- **او را همراهی کنید.** سعی کنید وقتی می‌خواهد نزد پزشک، وکیل، مشاور، یا به کلانتری و دادسرا برود همراه او باشید. ولی اجازه بدهید که خودش صحبت کند.

۶- **قرارهای او را یادآوری کنید.** دوست شما در وضعیت روحی مناسبی نیست. ممکن است خیلی زود از ادامه کار ناامید شود. نسبت به مراجعه به دادگاه، مشاور یا کلانتری بی‌تفاوت شود و پشت گوش بیاندازد. سعی کنید او را متقاعد کنید که برای رهایی از این وضعیت، باید به تلاش خود ادامه دهد.

۷- **به حق تصمیم‌گیری او احترام بگذارید.** اجازه دهید که او راه را خود انتخاب کند. با اینکه شما می‌دانید راه حل نجات زندگی‌اش چیست و چه باید بکند، با این حال صحبت را شروع نکنید و به او اصرار نکنید که حتماً باید پیشنهادها را شما را اجرا کند.



به دوستان خود اجازه دهید به شما کمک کنند

اگر در خانه مورد خشونت قرار می‌گیرید، اجازه دهید افرادی که به شما اهمیت می‌دهند، نگران شما هستند و دوست تان دارند کمک تان کنند.

- ۱- **با فرد مورد اعتمادی صحبت کنید.** اگر دوست یا افرادی را در فامیل دارید که نگران امنیت شما هستند، با آنها راجع به آزار و اذیتی که به شما می‌شود صحبت کنید. صحبت کردن درباره فشارهایی که در زندگی وجود دارد می‌تواند به شما کمک می‌کند. اگر شما رابطه آزار دهنده‌ای را ترک کرده‌اید و احساس تنهایی می‌کنید، با یکی از دوستانتان که موقعیت شما را می‌داند حتما صحبت کنید.
- ۲- **یک مکان امن اضطراری نزد یکی از دوستان خود برقرار کنید.** در آنجا می‌توانید مقداری پول اضافی، لباس، سوئیچ یدک اتومبیل، کلید خانه، و کپی مدارک مهم که ممکن است در موارد اضطراری لازم داشته باشید، را نگهداری کنید. مطمئن شوید که دوست تان از برنامه امنیتی شما با خبر است.
- ۳- **از یک دوست بخواهید که در قرار ملاقات‌های مهم شما را همراهی کند.** اگر شما قرار ملاقات‌هایی برای مراقبت‌های پزشکی، رفتن به کلانتری یا دادگاه یا دیدار و کیل دارید، دوستی را برای حمایت عاطفی با خود ببرید.
- ۴- **راجع به خشونت‌هایی که به شما می‌شود با خواهر یا دوست تان صحبت کنید.** راجع به نوع آزاری که به شما می‌شود، راجع به برنامه‌های اضطراری خود و... با او بحث کنید.
- ۵- **در نهایت برای انجام هر عملی خودتان تصمیم بگیرید.** شما تنها کسی هستید که می‌دانید آیا برای ترک رابطه‌تان، مراجعه به کلانتری و دادسرا و یا پیدا کردن یک پناهگاه موقت، آمادگی دارید یا نه. بر پایه میزان راحتی خود، شخصا تصمیم بگیرید.

اقدامات لازم ایمنی، زمانی که در یک رابطه آزار دهنده هستید

- اگر شما و فرزندان تان با فردی زندگی می‌کنید که شما را مورد ضرب و شتم و آزار قرار می‌دهد برای تامین امنیت خود موارد زیر را رعایت کنید
- ۱- **شماره تلفن‌های ضروری را حفظ کنید.** شماره دوستان و آشنایانی که می‌توانید در موقعیت خطر به آنها تلفن کنید. به فرزندان خود نیز شماره‌های ضروری و نحوه تماس با پلیس ۱۱۰ و تلفن ۱۲۳ را آموزش دهید.
 - ۲- **همیشه تلفن موبایل یا پول خرد یا کارت تلفن برای تلفن عمومی همراه داشته باشید.**
 - ۳- **این دفترچه را در محلی نگهداری کنید تا در صورت نیاز به آدرس‌های آن در دسترس باشد.**
 - ۴- **اگر می‌توانید حتما برای خود حساب بانکی باز کنید.** مهم نیست پول شما کم باشد سعی کنید پس انداز خود را همیشه افزایش دهید.
 - ۵- **با همسایگان خود آشنا شوید.** ارتباط خود را با آنها قطع نکنید. سعی کنید به چند نفر از همسایگان یا بستگان و فامیل، موقعیت زندگی خود و فرزندان تان را بگویید. از هر گونه قطع ارتباط با آنها بپرهیزید، حتی اگر احساس می‌کنید می‌خواهید کاملا تنها باشید.

۶- برنامه نجات خود را آنقدر با خود تکرار کنید که آن را خوب به خاطر بسپارید.
۷- اگر اتومبیل دارید یک سوئیچ اضافی و نیز کلید خانه، مقداری پول، طلا، لباس، کپی یا در صورت امکان اصل مدارک زیر را به دوست یا فامیل مورد اعتماد خود بسپارید.

- شناسنامه خود و فرزندان و همسر تان
- مدارک تحصیلی و پزشکی خود و فرزندان تان
- عقد نامه
- دفترچه بانک
- مدارک پزشکی قانونی و دادگاه
- مدارک ترک اعتیاد همسر (اگر شوهرتان معتاد بود)
- فیش حقوقی همسر (اگر شوهرتان کارمند است)
- کپی یا اصل سند خانه، مغازه، موبایل، اتومبیل و ...
- پاسپورت
- سند یا اجاره نامه خانه
- دفترچه پرداخت وام خانه
- مدارک بیمه
- آدرس و شماره تلفن‌های ضروری
- هر سند و مدرک مهم دیگر

امنیت بعد از ترک رابطه

زمانی که دیگر با فردی که شما را مورد ضرب و شتم قرار می‌داد زندگی نمی‌کنید راه‌های زیر می‌تواند در امن کردن محیط زندگی شما و فرزندان تان موثر باشد.

۱- در صورتی که هنوز در خانه زندگی می‌کنید و شخص ضارب آنجا را ترک کرده است، قفل‌ها را حتما عوض کنید.

۲- تا حد امکان وسایل ایمنی مانند در و نرده‌های فلزی، سیستم زنگ خطر و ... در خانه نصب کنید.

۳- به فامیل و بستگان و همسایگان تان خبر دهید که شریک قبلی زندگی تان دیگر در آن محل جایی ندارد. از آنها بخواهید در صورت مشاهده او در حال پرسه زدن یا تحت نظر داشتن خانه شما، این موضوع را به پلیس ۱۱۰ یا به کلاتری محل اطلاع دهند.

۴- به مدرسه و مهدکودکی که فرزندان تان را نگهداری می‌کنند اطلاع دهید چه کسانی اجازه بردن آنها را داشته و چه کسانی این اجازه را ندارند.

۵- حکم حضانت فرزندان خود را همیشه همراه داشته باشید و کپی آن را نزد مدرسه و همسایگان برای ارائه به پلیس ۱۱۰ قرار دهید.

۶- اگر این احتمال وجود دارد که شریک قبلی زندگی شما در محیط کار مزاحمت ایجاد کند، همکاران خود را از موقعیت خود آگاه سازید.

۷- از رفتن به مکان‌هایی که در زمان زندگی با ضارب خود، می‌رفتید تا حد امکان خودداری کنید.

۸- حتی الامکان به جلسات مشاوره یا به کلاس‌های آموزشی بروید و به گروهایی که می‌توانند شبکه حمایتی برای شما ایجاد کنند بپیوندید.



چرا زنان خشونت را تحمل می کنند

مسائل متعددی زنان را مجبور به تحمل خشونت خانوادگی می کند. عوامل فردی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، قانونی و عرفی فراوانی در کار است که همگی دست به دست هم می دهد تا ترک محیط زندگی خشن، برای زن دشوار شود.

زنان گاهی به خاطر ترس از تنهایی یا از دست دادن فرزندان، آبروریزی، وابستگی اقتصادی، عدم حمایت از سوی خانواده خود و بسیاری مسائل دیگر، امکان جدا شدن از همسر آزار دهنده خود را دشوار و گاه ناممکن می بینند. اما متأسفانه حتی اگر زنی هیچ کدام از مشکلات یاد شده را نداشته باشد و از همه نظر آمادگی و توان لازم برای جدایی را داشته باشد، قوانین فعلی خانواده، امکان جدا شدن از یک زندگی خشونت آمیز را تا حد بسیار زیادی از او سلب می کند.

قوانین فعلی در اکثر مواقع نمی تواند کتک زدن مرد و آزار و اذیت های روحی و جسمی او به زن و فرزندان را کنترل کند. بارها شاهد آن بوده ایم که کودکی در اثر جراحات وارده توسط والدین خود کشته شده است. از سوی دیگر زنان بسیاری در تخت های اورژانس بیمارستان به دلیل ضربه های محکم همسر خود، سقط جنین کرده اند یا جان خود را از دست داده اند. چرا که طبق قانون، زن حق طلاق ندارد در حالی که ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی صراحتاً می گوید: «مرد هر وقت بخواهد می تواند زن خود را طلاق دهد». زن برای طلاق باید دلایل محکمه پسندی داشته باشد.

همچنین طبق قانون، حضانت فرزندان فقط تا ۷ سالگی با مادر است و بعد از آن حضانت با پدر است. از طرفی قیمومیت فرزندان با پدر است و در صورت نبود او با جد پدری. مفهوم آن این است که مادر نمی تواند برای مسائل مهم زندگی فرزند خود مانند ازدواج، تحصیل، مسائل مربوط به درمان پزشکی فرزندش، سفر، باز کردن حساب بانکی و... تصمیم بگیرد. بسیاری از زنان ترجیح می دهند زندگی پر از خشونت را تحمل کنند اما در کنار فرزندان خود باشند چرا که بعد از طلاق، مادر تقریباً هیچ حقی در مورد فرزندان خود ندارد. همچنین طبق قانون، مردان می توانند همسران متعدد اختیار کنند. هر چند به ظاهر اجازه زن اول شرط است، اما واقعیت آن است که بسیاری از مردان این عمل ناپسند خود را تا سالها از همسر و فرزندان شان پنهان می کنند و معمولاً زن هنگامی متوجه واقعیت می شود که تمام سال های جوانی خود را برای زندگی با مرد و بزرگ کردن فرزندان گذاشته است. دیگر نه درآمدی دارد و نه سرپناهی که بتواند از همسر خیانتکار خود رها شود. متأسفانه مرد می تواند زن دائم و صیغه ای اختیار کرده و با این عمل خود، روح و روان زن را شکنجه کند و فرزندان نیز مجبور شوند در این فضای متشنج زندگی کنند. در این میان، قانون نه تنها مقابل عمل ناپسند مرد نمی ایستد بلکه به او اجازه می دهد تا چهار زن عقدی و بی نهایت زن صیغه ای اختیار کند.

طبق قانون دختر نصف پسر از اموال خانواده ارث می برد. همین امر سبب می شود، اکثر دختران بعد از ازدواج به دلیل پایین بودن میزان ارثیه خود نسبت به برادران، از نظر اقتصادی به همسر خود وابسته شوند. از طرفی باز هم طبق قانون، مرد می تواند زن خود را از اشتغال و تحصیل منع کند. دختری که نه حمایت مالی خانواده خود را دارد و نه اجازه اشتغال، متأسفانه مجبور می شود به دلیل عدم توانایی مالی، هر نوع زندگی خفت بار و خشونت آمیزی را تحمل کند. متأسفانه به خاطر وجود همین قوانین ناعادلانه و عدم شناخت خانواده ها از اخلاق و روحیات خواستگار دختر خود، در همان ابتدای شروع زندگی برای جلوگیری از استفاده مرد از قانون، مهریه دختران خود را تا حد امکان بالا می گیرند و گاهی میزان مهریه، متأسفانه به ارقامی نجومی تبدیل می شود که خود دلیلی می شود برای پرهیز مردان جوان از ازدواج. از

طرفی وقتی تنها حربه زن برای مقابله با خشونت همسر خود، مهریه است با اجرا گذاشتن آن مشکلات دیگری بوجود می-آید. یعنی زمانی که قانون نمی‌تواند از زن حمایت کند، او مجبور است خود به دنبال راهکاری برای حمایت از خود باشد.

«شروط ضمن عقد»: راهی برای تشکیل خانواده برابر

یکی از راه‌های موثر برای ایجاد خانواده برابر، تعیین شروطی است که دختر و پسر می‌توانند در هنگام عقد، در عقدنامه خود قید کنند. شروط ضمن عقد تا حدودی می‌تواند کاستی‌های قانون را اصلاح کند. زوجین به دو صورت می‌توانند شروط را ثبت کنند. هنگام عقد در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق، متن شروط را از قبل آماده کرده و از محضردار بخواهند که این شروط را در عقدنامه، (در صفحه «سایر شروط»)، ثبت کند. راه دیگر آن است که بعد از عقد، به یکی از دفترخانه‌های ثبت اسناد رسمی رجوع کرده و شروط را به ثبت برسانند. ضمانت اجرای روش دوم یعنی ثبت در دفتر اسناد رسمی بالاتر است. بنابراین حتی اگر در عقدنامه، شروط را گنجانده‌اید با مراجعه به دفترخانه اسناد رسمی، آن را به ثبت برسانید.

چند نکته

۱- زوج‌هایی که سال‌های پیش ازدواج کرده‌اند نیز می‌توانند به یکی از دفترخانه‌های ثبت اسناد رسمی مراجعه کرده و شروط مورد توافق خود را به ثبت برسانند.

۲- در عقدنامه‌ها تعدادی از شروط، برای رفع کاستی‌های قانون، از قبل قید شده که به عروس و دامادهای جوان توصیه می‌کنیم همه آن شروط را امضا کنند. اما از آنجا که شروط مندرج در عقدنامه‌ها کافی نیستند، شروط زیر به زوج‌های جوان پیشنهاد می‌شود. این شروط مورد پذیرش مراجع قضایی و اجرایی است و همه دفترخانه‌های اسناد رسمی و دفترخانه‌های رسمی ازدواج و طلاق، مکلف به ثبت آنها هستند.

۳- دقت کنید برخی از شروط مانند شرط اجازه تحصیل و اشتغال و شرط حق انتخاب مسکن را می‌توان تنها در عقدنامه قید کرد و حتی اگر در حضور چند شاهد معتمد مثلا از اعضای فامیل دو طرف این شروط در برگه ای نوشته و امضا شود نیز برای ارائه به دادگاه کفایت می‌کند. اما دو شرط وکالت در طلاق و خروج از کشور حتی اگر در عقدنامه قید شود نیز کافی نیست و زن و شوهر حتما باید بعد از عقد به یکی از دفترخانه‌های رسمی ثبت اسناد مراجعه کنند و مرد به زن وکالت محضری بدهد. بنابراین حتی اگر این دو شرط در عقدنامه هم قید نشده باشد می‌توان بعد از ازواج مستقیما برای ثبت وکالت محضری برای این دو شرط اقدام کرد.

۴- به دلیل بار قضایی متون حقوقی، پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از هر نوع مشکلی در زمان اجرای شرط، عبارات را به گونه‌ای که در زیر می‌آید، استفاده کنید:

شرط تحصیل

زوج، زوجه را در ادامه تحصیل تا هر مرحله که زوجه لازم بداند و در هر کجا که شرایط ایجاب نماید مخیر می‌سازد.

شرط اشتغال

زوج، زوجه را در اشتغال به هر شغلی که مایل باشد، در هر کجا که شرایط ایجاب نماید مخیر می‌کند.

شرط حق انتخاب مسکن

زوج؛ زوجه را در انتخاب و تعیین کشور؛ شهر و محل سکونت برای ادامه زندگی مشترک مخیر می سازد.

شرط حضانت و نگهداری فرزندان:

زوجین توافق می کنند در صورت بروز طلاق حضانت و نگهداری فرزندان طبق تشخیص دادگاه به هر کدام از والدین که صلاحیت نگهداری از آنها را دارد سپرده شود.

شرط وکالت زوجه در صدور جواز خروج از کشور

زوج به زوجه، وکالت بلاعزل می دهد که با همه اختیارات قانونی بدون نیاز به اجازه شفاهی یا کتبی مجدد شوهر، از کشور خارج شود. تعیین مدت، مقصد و شرایط مربوط به مسافرت به خارج از کشور به صلاح دید خود زن است.

شرط تقسیم اموال میان زن و شوهر پس از جدایی

زوج متعهد می شود هنگام جدایی - اعم از آنکه به درخواست مرد باشد یا به درخواست زن - نیمی از دارایی موجود خود را - اعم از منقول و غیر منقول که طی مدت ازدواج به دست آورده است - به زن منتقل نماید.

شرط وکالت مطلق زوجه در طلاق

زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر می دهد تا زوجه در هر زمان و تحت هر شرایطی از جانب زوج، اقدام به مطلقه نمودن خود از قید زوجیت زوج به هر قسم طلاق - اعم از بائن و رجعی و خلع یا مبارات - به هر طریق - اعم از اخذ یا بذل مهریه - نماید.

پیشنهاد می کنیم که برای رسیدن به برابری حقوقی در کانون خانواده، در صورت قید همه شروط بالا در عقدنامه و ثبت دو شرط «خروج از کشور» و «حق طلاق» در ثبت اسناد رسمی، زن مهریه ای طلب نکند.